

چگونگی ادب‌آموزی فرزند در هفت سال اول در منابع اسلامی

محمدصادق عادل^۱

چکیده

در این تحقیق، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی کیفی، چگونگی ادب‌آموزی به فرزند در منابع اسلامی، بررسی شده است. هدف این تحقیق، توجه به کیفیت ادب‌آموزی فرزند توسط والدین است. ادب‌آموزی به فرزند، اهتمام به جذاب سازی رفتار فرزند و پسندیده شدن رفتار وی در محورهای مختلف است؛ زیرا ادب‌آموزی به فرزند، تابع وضعیت روانی و شناختی او است. بنابراین باید آداب ساده را برای فرزندان خردسال در هفت سال اول، آموخت. از نظر منابع دینی آداب ساده نیز دارای مراتب و اولویت‌بندی است. لذا ادب‌آموزی در برابر خداوند، در اولویت نخست قرار دارد. آداب احترام به انبیای الهی به ویژه خاتم‌الانبیاء^(ص)، رعایت ادب و احترام به اولیای الهی به ویژه اهل بیت^(ع)، احترام به والدین، احترام به نعمت‌های الهی، احترام به معلم و خویشاوندان و بزرگسالان و مهمان، در اولویت‌های بعدی قرار دارد.

کلید واژگان: ادب‌آموزی، ادب‌آموزی به فرزندان، آداب ساده، اولویت‌های ادب‌آموزی.

۱. گروه علوم تربیتی، مجتمع علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، غزنی، افغانستان.



مقدمه

یکی از مهم‌ترین محورهای تربیت، ادب داشتن که در منابع اسلامی بسیار مورد تأکید است و از نظر اسلام، ادب یاد دادن به فرزندان از وظایف اصلی والدین است. اهمیت ادب‌آموزی به فرزند در اسلام از این نکته روشن می‌شود که برترین هدیه والدین به فرزندان شمرده شده است. (بروجردی، ۱۳۸۶، ۲۶: ۸۵) ادب همان جنبه جذاب و زیبایی رفتار انسان و هیئت و شکل پسندیده رفتار انسان در عرصه‌های مختلف است. ادب‌آموزی به فرزند با توجه به ویژگی سنی فرزند باید مورد توجه والدین قرار بگیرد. برای فرزندان خردسال در هفت‌سال اول نمی‌توان آداب پیچیده را آموخت، بلکه باید از آموزش آداب ساده شروع کرد. در اسلام برای ادب‌آموزی ساده نیز اولویت وجود دارد؛ یعنی والدین برای زیباسازی رفتار فرزندانشان در محورهای مانند ادب در برابر خداوند، انبیای الهی و اولیای الهی به ویژه اهل بیت رسول خدا (ص) اهمیت بیشتری بدهند.

محور دیگر رعایت ادب در برابر والدین و حفظ حرمت آنان است. ادب در برابر نعمت‌های الهی از جمله آداب غذا خوردن اهمیت زیادی دارد. در منابع اسلامی توجه به شکرگزاری و قدرشناسی مورد تأکید است. به این جهت ادب در برابر نعمت‌های الهی، مورد توجه ویژه است؛ از سوی دیگر چون انسان موجود اجتماعی است، رعایت آداب در تعامل اجتماعی نیز اهمیت زیادی دارد که مهم‌ترین این موارد در داشتن ادب در برابر معلم و مؤدب بودن در میان خویشان و افراد بزرگسال است. سؤال اصلی این پژوهش این است که در منابع اسلامی چگونه به ادب‌آموزی فرزند توجه شده است؟

برای پاسخ دادن به این پرسش از روش توصیفی-تحلیلی کیفی استفاده شده است. بر اساس این روش، نخست آموزه‌های منابع اسلامی مانند آیات و روایات توصیف شده، سپس با توجه به هفت‌سال اول کودکی مورد تحلیل قرار گرفته است. آنگاه متناسب با سن کودکی اول، دستورات و آموزه‌های قرآنی و حدیثی را در محور ادب‌آموزی بر اساس اولویت طبقه‌بندی و تدوین شده است.

۱. مفهوم شناسی ادب

ابن فارس معنای اصلی ادب را از «المأدبة» دانسته که عبارت از جمع کردن مردم برای صرف طعام است. «الادب» به معنای داعی است. (احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ۱: ۷۴) مؤلف تاج العروس، گفته اصل معنای ادب، دعوت کردن مردم به امور پسندیده و ستوده و بازداشتن آنان از زشتی‌ها است. وی از زبان استادش نقل کرده است که ادب ملکهٔ نفسانی است که دارندهٔ خود را از آلودگی به زشتی‌ها بازمی‌دارد. (زبیدی حنفی، ۱۴۱۴، ۱: ۲۹۶) فیومی گفته ادب «هو تعلم ریاضة النفس و محاسن الأخلاق»؛ ادب عبارت است از فراگیری ریاضت دادن نفس و کسب اخلاق نیکو و به کار بستن آنچه به گفتار و رفتار مقبولیت و زیبایی می‌بخشد یا احترام به افراد مافوق، نرمی و عطف به افراد زیردست است. (فیومی، بی‌تا، ۲: ۹)

طریحی در مجمع البحرین، ادب را به این معانی به کار برده است: اخلاق نیکو، آموختن ریاضت نفس و کسب اخلاق نیکو، فراگیری علم و اخلاق نیکو، از باب تفعیل به معنای مواخذه بر کار بد و نیز از باب تفعل = تأدب و يتأدب به معنای یادگرفتن ادب از روی لطف، تأنی و محبت بدون خشونت و ضرب است. (طریحی، ۱۴۱۶، ۲: ۵) مرحوم طباطبایی، گفته است: «ادب، هیئت زیبا و پسندیده است که طبع و سلیقه، چنین سزاوار می‌داند که هر عمل مشروعی چه دینی باشد، مانند دعا و امثال آن و چه مشروع عقلی باشد، مانند دیدار دوستان بر طبق آن هیئت واقع شود». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۶: ۲۵۶)

به نظر نگارنده ادب در اصطلاح عبارت است از الگوهای پسندیده رفتاری و جهت‌بخش به‌سوی خوبی که تعیین‌کننده هنجارهای اجتماعی در موقعیت‌های مختلف است یا اینکه نشان‌دهنده ویژگی‌های جذاب در موقعیت‌های مختلف است؛ مانند اینکه در وقت عزاداری یا عروسی چه نوع رفتاری پسندیده و چه رفتاری ناپسند است.

بنابراین ادب‌آموزی شامل دو نوع رفتار ساده و پیچیده است؛ آداب ساده را می‌توان در هفت سال اول به فرزندان تعلیم داد؛ مانند ادب در برابر خداوند، انبیا و اولیای





الهی، احترام به والدین، بزرگسالان و ادب در برابر نعمت‌های الهی، آداب در برابر مهمان و معلّم. آداب پیچیده مانند ریاضت نفس و کسب اخلاق حمیده و فراگیری علم و هنر و نیز سایر آداب را باید در سن بعد از کودکی، به فرزند آموخت.

۲. اهمیت ادب‌آموزی در اسلام

در اسلام روی ادب‌آموزی به فرزندان تأکید زیادی شده است. در متون و منابع روایی، ادب‌آموزی به‌عنوان حق فرزند بر پدر، بهترین هدیه پدر به فرزند، مایه آمرزش و بهترین صدقه یاد شده است. چنانکه حضرت امام علی^(ع) فرمود: «از حقوق فرزند بر پدر این است که نام نیکو برای او برگزیند و ادب او را نیکو سازد و قرآن به او تعلیم دهد»^۱.

از روایات مربوط به ادب‌آموزی، سن ادب‌آموزی استفاده نمی‌شود. اگرچه در برخی روایات، آمده است که سن ادب‌آموزی در هفت‌سال دوم است. امیرالمؤمنین^(ع) فرمود: «کودک در هفت سال اول، پرورانده (رشد و نمو) می‌شود، در هفت سال دیگر ادب آموخته می‌شود و در هفت سال دیگر به کار گماشته خواهد شد»^۲. واژه «یؤدب» در این حدیث به معنای تعلیم است؛ چنان‌که طریحی گفته است: «كَانَ عَلِيٌّ^(ع) يُوَدِّبُ أَصْحَابَهُ، أَي يَعَلِّمُهُمُ الْعِلْمَ وَمَحَاسِنَ الْأَخْلَاقِ». (طریحی، ۱۴۱۶، ۲: ۵) بنابراین روایت یاد شده درصدد تعیین سن برای ادب‌آموزی نیست، بلکه برای تعیین سن جهت آموزش و فراگیری علم و محاسن اخلاقی است.

بنابراین می‌توان گفت که ادب‌آموزی، از نظر سنی یک امر عقلانی و تابع نوع ادب است. اگر آداب امور ساده باشد، می‌توان فرزندان بالای چهار سال را تحت تعلیم برخی آدابی که در پی می‌آید، قرار داد.

۳. ادب در برابر خداوند و مصادیق آن

خیلی لازم است که به فرزندان خردسال خود، تعظیم به خداوند منان را تعلیم بدهیم.

۱. قَالَ^(ع) حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَحْسِنَ اسْمَهُ وَيَحْسِنَ أَدَبَهُ وَيَعْلَمَهُ الْقُرْآنَ. (نهج البلاغه صبحی صالح، ۱۴۱۴: ۵۴۶)

۲. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ^(ع) يَرْبِي الصَّبِيَّ سَبْعًا وَيُوَدِّبُ سَبْعًا وَيَسْتَحْدِمُ سَبْعًا... (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳، ۳: ۴۹۳)



روشن‌ترین نوع ادب در برابر خداوند در مؤلفه تعلیم گام‌به‌گام بیان شده است؛ اما اینجا هم در خور ظرفیت این نوشتار به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۳. یاد دادن ذکر مخصوص و برخی از مناسک دینی

در منابع دینی سفارش شده است که چون پسر به سه سالگی رسید، باید به او بگویند هفت مرتبه بگو «لا إله إلا الله». سپس رهایش کنند تا سه سال و هفت ماه و بیست روز او کامل شود. سپس باید به او بگویند هفت مرتبه بگو «محمد رسول الله» و او را رها کنند تا چهار سال او تمام شود. آن گاه باید به او بگویند هفت مرتبه بگو «صلی الله علی محمد وآله». سپس رهایش کنند تا پنج سال او تمام شود. آن گاه از او پرسند دست چپ و راست کدام است؟ اگر شناخت، باید صورتش را به سمت قبله برگردانده به او بگویند سجده کن. سپس رهایش کنند تا هفت سال او تمام شود. پس وقتی هفت سال او تمام شد، باید به او بگویند صورت و دو دستت را بشوی. وقتی شست، باید به او بگویند نماز بخوان. سپس رهایش کنند تا نه سال او تمام شود. وقتی تمام شد، وضو به او یاد داده شود و بر [ترك] آن، تنبیه گردد و به نماز، امر شود و بر [ترك] آن، تنبیه گردد. وقتی وضو و نماز را فراگرفت، خداوند، او و پدر و مادرش را می‌آمرزد این شاء الله.^۱

در این میان، نماز که ادب ویژه انسان در برابر خداوند است، از جایگاه خاصی برخوردار است.

۳-۲. تعلیم ادب ابراز محبت خداوند به فرزندان

ایجاد محبت خداوند راه درست برای نهادینه کردن ارزش‌های دینی در جان و قلب فرزند است. ابراز محبت به خداوند از جهاتی برای فرزندان خردسال اهمیت دارد؛

۱. امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) فرمودند: إِذَا بَلَغَ الْعُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ، يُقَالُ لَهُ: قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ. ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ ثَلَاثُ سِنِينَ وَ سَبْعَةُ أَشْهُرٍ وَ عِشْرُونَ يَوْمًا، فَيُقَالُ لَهُ: قُلْ: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ. وَ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ أَرْبَعُ سِنِينَ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ قُلْ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ». ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ خَمْسُ سِنِينَ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: أَيُّهُمَا يَمِينُكَ وَ أَيُّهُمَا شِمَالُكَ؟ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ حَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ يُقَالُ لَهُ: أَسْجُدْ. ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ، فَإِذَا نَمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ قِيلَ لَهُ: اغْسِبْ وَجْهَكَ وَ كَفْيِكَ، فَإِذَا غَسَلَهُمَا قِيلَ لَهُ: صَلِّ. ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ تِسْعُ سِنِينَ، فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ عِلْمُ الْوُضُوءِ، وَ ضَرْبِ عَلَيْهِ، وَ أَمْرٍ بِالصَّلَاةِ، وَ ضَرْبِ عَلَيْهَا. فَإِذَا تَعَلَّمَ الْوُضُوءَ وَ الصَّلَاةَ غَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ وَ لَوَالِدَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (ابن بابويه، ۱۳۷۶، ۴۷۵)



زیرا آنان در سنی هستند که بیش تر از طریق عواطف با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند. از سوی دیگر ارتباط عاطفی، جنبه نیرومندی در انسان دارد و می‌تواند به پایداری و ثبات بیش تر هر نوع ارتباط کمک کند.

خداوند می‌فرماید: «اما آن‌هایی که ایمان دارند، عشقشان به خدا شدیدتر است». (بقر: ۱۶۵) محبت به خداوند از مهم‌ترین نشانه‌های ایمان است. قرآن ایمان را محبوب دل‌های مؤمن معرفی کرده است و فرموده است: «ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده و کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است. کسانی که دارای این صفاتند هدایت یافتگانند». (حجرات: ۷)

نیز حسین فرزند سیف از اصحاب امام صادق^(ع) گفت: «از امام صادق^(ع) شنیدم که می‌فرمود: ایمان کسی خالص نمی‌شود، مگر این‌که خداوند در قلب او محبوب‌تر از خودش، از پدر و مادرش، از فرزندانش، از اهل خانه و مالش و تمام مردم باشد».^۱ فضیل می‌گوید به امام کاظم^(ع) عرض کردم: «کدام چیز از فریضی که خداوند بر بندگان خود، واجب کرده، با فضیلت‌تر است؟ امام فرمود: برترین چیزی که انسان به وسیله آن به خداوند نزدیک می‌شود، طاعت خدا و رسول^(ص) او و دوستی خدا و دوستی رسول^(ص) او و دوستی صاحبان فرمان است». ^۲

بنابراین روشن است که برترین ادب در برابر خداوند متعال، ابراز محبت به او است. لذا وظیفه والدین است که کودکان خود را از همان آوان کودکی در مسیر تربیت کنند.

۴. روش ایجاد محبت خداوند در دل‌های فرزندان

با توجه به سیره پیامبر اکرم^(ص) می‌توان از طریق بیان افعال الهی، مهر و محبت فرزندان را به خداوند برانگیخت. لذا با استفاده از سیره رسول اکرم^(ص)، روش ایجاد محبت را در استفاده از موقعیت‌های عاطفی برای بیان افعال الهی، می‌توان برای کودکان مؤثر دانست. نقل شده است که روزی اسیرانی را نزد آن حضرت پیامبر^(ص) آوردند. زنی در

۱. روی الحسین بن سیف صاحب الصادق ع قال سمعت أبا عبد الله ع يقول لا يمحص رجل الإيمان بالله حتى يكون الله أحب إليه من نفسه وأبيه وأمه وولده وأهله وماله ومن الناس كلهم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۷: ۲۴-۲۵)

۲. عن الفضیل قال: قلت لأبي الحسن ع أي شيء أفضل ما يتقرب به العباد إلى الله فيما افترض عليهم فقال أفضل ما يتقرب به العباد إلى الله طاعة الله و طاعة رسوله و حب الله و حب رسوله ص و أولى الأمر... (برقی، ۱۳۷۱، ۱: ۱۵۰)



میان این اسیران بود که شیر خود را می‌دوشید و هرگاه کودک شیرخواری را در میان اسیران می‌دید، او را در آغوش خود می‌فشرد و به او شیر می‌داد. پیامبر اکرم (ص) روبه اصحاب کرد و فرمود: آیا این زن فرزند خود را در آتش می‌اندازد؟ گفتیم نه اگر بتواند او را نیندازد نمی‌اندازد. آنگاه حضرت فرمود: خداوند به بندگان خود مهربان‌تر است از این زن به فرزندان خود». (بخاری، بی‌تا، ۷: ۷۵)

هم‌چنین در سیره آن حضرت آمده است که روزی مردی لانهٔ پرنده‌ای را که در آن جوجه‌های پرنده بود، می‌آورد؛ مادر و پدر به دنبال جوجه‌ها بفرز سر آن مرد پرواز می‌کردند و گاهی بر روی دست او فرود می‌آمدند. پیامبر (ص) روبه یارانش کرد و فرمود: آیا از رفتار این دو پرنده نسبت به جوجه‌هاشان تعجب می‌کنید؟ قسم به آن‌که مرا به حق مبعوث کرده است، خداوند نسبت به بندگانش مهربان‌تر از این دو پرنده نسبت به جوجه‌هاشان است». (هیثمی، ۱۴۰۸، ۹: ۸)

رسول خدا (ص) از یک موقعیت شدیداً عاطفی، برای بیان رفتار خداوند نسبت به بندگان استفاده به‌جا کرده است. بیان پیام در موقعیت مناسب، خیلی مؤثر است. والدین نیز می‌توانند از این نوع موقعیت‌های عاطفی در ایجاد محبت و تعظیم خداوند در قلب فرزندان استفاده کنند. اگر والدین بتوانند مهربانی خداوند با بیان عاطفی به فرزندان خود بشناسانند، مهر خدا در دل کودکان نهادینه خواهد شد. خداوند دل مادر را نسبت به فرزندش مهربان و نرم قرار داده است. با استفاده از موقعیت‌های متناسب با مهر و لطف الهی، برای بیان کردن افعال خداوند و برای ادب‌آموزی همگان به‌ویژه کودکان، بسیار مهم و ارزشمند است. این کار باعث نفوذ و تثبیت یادگیری ادب و محتوای آن خواهد شد.

مولوی با استفاده از همین نکته سروده است:

ای دوست شکر بهتر یا آن‌که شکر سازد خوبی قمر بهتر یا آن‌که قمر سازد؟
 ای باغ تویی خوش‌تر یا گلشن گل در تو یا آن‌که برآرد گل صد نرگس تر سازد
 ای عقل تو به باشی در دانش و در بینش یا آن‌که به هر لحظه صد عقل و نظر سازد؟

(کلیات دیوان شمس)



۵. تعلیم ادب احترام و محبت به پیامبران الهی

احترام و محبت به انبیای الهی از آداب مهم اسلامی است. مناسب است والدین فرزندان خود را به احترام و محبت انبیای الهی تربیت کنند. تکریم و احترام به همه انبیای الهی به ویژه نبی خاتم^(ص) بسیار مورد سفارش قرار گرفته است. بر اساس سفارش منابع اسلامی، بارزترین احترام به رسول خدا^(ص) درود فرستادن به آن حضرت در هنگام نام بردن، شنیدن و نوشتن نام آن حضرت است.

قرآن می‌فرماید: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید». (احزاب: ۵۶) مناسب است والدین ادب احترام به رسول خدا^(ص) را به فرزندان شان بیاموزاند که هرگاه نام آن حضرت را شنیدند یا خواندند و نوشتند، به صورتی که در متون روایی آمده است بر آن حضرت و اهل بیت او درود بفرستند. صیغه صلوات بر آن حضرت در متون روایی شیعه و سنی به شکل زیر روایت شده است: «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد» (هیثمی، ۱۴۱۷: ۳۴۸) همین مضمون در روایت عبدالله بن فضاله نیز وارد شده است که در آنجا سفارش شده است: «فرزند خود را در سن چهارسالگی «صَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» یاد بدهید». (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۱: ۲۸۱)

اسلام تأکید دارد که تربیت فرزند باید بر شالوده محبت به رسول خدا و اهل بیت پاک او استوار باشد. پیامبر^(ص) می‌فرماید: «فرزندانتان را بر سه چیز پرورش دهید: دوستی پیغمبرتان، دوستی اهل بیت او و تلاوت قرآن».^۱

رسول خدا^(ص) مظهر لطف و رحمت خداوند است. بنابراین ابراز دوستی آن حضرت و تربیت فرزند در این مسیر، از نشانه‌های ایمان به خداوند است. عبدالله بن عباس در تفسیر این سخن خداوند که «مرا در راه راست هدایت فرما»، گفت: بندگان خداوند بگویند خدایا مرا به محبت پیامبر^(ص) و خاندان او، راهنمایی ام کن».^۲

۱. قال رسول الله^(ص): ادبوا اولادکم علی ثلث خصال حب نبیکم و حب اهل بیته و تلاوة القرآن. (متقی هندی، ۱۴۱۹، ۱۶: ۴۵۶)

۲. عن عبد الله بن عباس فی قوله اهدنا الصراط المستقیم قال قولوا معاشر العباد اُرشدنا إلى حب النبی و اهل بیته. (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ۳: ۷۳)



۶. ادب ابراز محبت به اهل بیت^(ع) و دلایل آن

یکی از مهم‌ترین آداب‌ی که باید به فرزند در هفت سال اول یاد داد، محبت و دوستی اهل بیت^(ع) است. هر چند محبت امر قلبی است و قابل تعلیم نیست، ولی مقصود در اینجا زمینه‌سازی برای ایجاد محبت در قلب فرزند است. والدین باید فضای خانه را به گونه‌ای سازمان بدهند که بیان‌گر خوبی‌ها و عظمت اهل بیت^(ع) باشد. قلب کودک پاک است، اگر خوبی و عظمت اهل بیت^(ع) در خانه منعکس شود، به راحتی کودک تحت تأثیر آن قرار خواهد گرفت و محبت و دوستی اهل بیت در دل او نهادینه می‌شود.

دوستی و محبت اهل بیت^(ع) دلایل فراوان تربیتی و دینی دارد که به برخی از آن موارد اشاره می‌شود:

۱-۶. محبت اهل بیت^(ع) مُزد رسالت

پیامبران الهی همگی مأموریت داشتند که وظایف هدایتی و تربیتی خود را مجانی و رایگان انجام بدهند؛ اما در عین حال پاداش معنوی برای رسالت آن حضرت در قرآن این گونه مطرح شده است: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیت)». (شوری: ۲۳)

هم‌چنین دوستی اهل بیت^(ع) از فرایض قرآنی است؛ زیرا همه بدی‌ها و پلیدی‌ها را خداوند از آنان زدوده است و آنان را پاکیزه و مطهر ساخته است. (احزاب: ۳۳) نیز از آن جهت که آنان کامل‌ترین نمونه انسان تربیت یافته در مکتب نبوت است. از این جهت دوستی آنان، مظهر ایمان به خداوند است.

۶-۲. محبت خدا، پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) برترین وسیله تقرب

فضیل می‌گوید به امام کاظم^(ع) گفتم کدام چیز از فرایضی که خداوند بر بندگان خود، واجب کرده است، با فضیلت‌تر است؟ امام فرمود: «برترین چیزی که انسان به وسیله آن به خداوند نزدیک می‌شود، طاعت خدا و رسول^(ص) او و دوستی خدا و دوستی رسول^(ص) او و دوستی صاحبان فرمان است». امام باقر^(ع)، همواره می‌فرمود:



«دوستی ما نشانه ایمان است و دشمنی ما نشانه کفر است»^۱.
 قرین قرار گرفتن دوستی اهل بیت با دوستی خداوند و رسول او، بیان‌گر آن است
 که اهل بیت^(ع) برترین بندگان خداوند بعد از رسول خدا^(ص) هستند. به این جهت
 هرگونه دشمنی با آنان نشان دشمنی با خداوند است.

۳-۶. محبت اهل بیت^(ع) نشانه حلال‌زادگی

در منابع روایی، احادیث متعددی وجود دارد که دشمنی با اهل بیت^(ع)، بیان‌گر اخلال
 در حلال‌زادگی است.

به‌عنوان نمونه، شیخ صدوق در امالی به‌صورت مستند از ابی‌زبیر مکی نقل کرده
 است که گفت: «جابر را در حالی که بر عصای خود تکیه داده بود، دیدم که همواره
 در میان کوچه‌های انصار در مدینه دور می‌زد و می‌گفت: علی بهترین انسان است
 هرکس از این حقیقت امتناع کند، به‌درستی که کفر ورزیده است. ای گروه انصار!
 فرزندان‌تان را با دوستی علی تربیت کنید. پس اگر کسی از دوستی علی امتناع کرد،
 در کار مادرش نظر بیندازید»^۲.

ممکن است این سخن مطرح شود که دوستی و محبت امر قلبی و درونی است،
 ولی ادب رفتار بیرونی است. لذا تناسب محبت با ادب‌آموزی در چیست؟ پاسخ این
 است که در اینجا به کودک ابراز محبت به خداوند، پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) یاد داده
 می‌شود که جنبه رفتار عینی دارد.

۷. ادب در برابر والدین و مصادیق آن

از نظر اسلام احترام به والدین از اهمیت زیادی برخوردار است. به‌گونه‌ای که در قرآن
 بر سفارش به نیکی در حق والدین، در ۱۰ سوره و ۱۳ آیه آمده است. در سوره مریم
 آیات ۱۴ و ۳۲، عنکبوت آیه ۸، لقمان آیه ۱۴، ابراهیم آیه ۴۱، نوح آیه ۲۸، احقاف

۱. عن الفضیل قال: قلت لأبی الحسن ع ای شیء أفضل ما يتقرب به العباد إلى الله فيما افترض عليهم فقال أفضل ما يتقرب به
 العباد إلى الله طاعة الله و طاعة رسوله و حب الله و حب رسوله ص و أولى الأمر و كان أبو جعفر ع يقول حبنا إيمان و بغضنا كفر.
 (برقی، ۱۳۷۱، ۱: ۱۵۰)

۲. عن أبي الزبير المكي قال: رأيت جابراً متوكلناً على عصاه وهو يدور في سبك الأنصار و مجالسهم وهو يقول على خير البشر فمن
 أبي فقد كفر يا معشر الأنصار أدبوا أولادكم على حب علي فمن أبي فانظروا في شأن أمه. (ابن بابويه، ۱۳۷۶: ۷۷)



آیات ۱۵ و ۱۷، اسراء آیات ۲۳ و ۳۳، انعام آیه ۱۵۱، نساء آیه ۳۶ و بقره آیه ۸۳ با عنوان بِرٍّ، احسان، حُسن، شُکر و درخواست مغفرت و رحمت برای والدین، وظیفه تعیین شده است. در ۴ سوره و ۴ آیه، یعنی بقره، نساء، انعام و اسراء نیکی به والدین بعد از دستور به توحید و پرهیز از شرک، مطرح شده است. در سوره لقمان، شکرگزاری برای والدین در کنار شکرگزاری خداوند قرار گرفته است. بنابراین هم‌قرینی حق والدین با توحید که اصل اساسی در نظام ارزش‌های اسلامی است، نشانه اهتمام بی‌نظیر اسلام در تکریم و احترام به والدین است. روشن است که ادب احترام و نیکی به والدین نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «و پروردگارت فرمان داده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دو، آن‌ها، نزد تو به سن پیری رسند، کم‌ترین اهانتی به آن‌ها روا مدار و بر آن‌ها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آن‌ها بگو و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر آنان فرود آر و بگو پروردگارا! همان‌گونه که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده». (اسراء: ۲۴-۲۳)

در این آیات شریفه نکات مهمی مطرح شده است. مناسب است برخی از این نکات را با استفاده از بیان تفسیری مرحوم طباطبایی در اینجا بیان کنیم:

نکته اول: خداوند در این دو آیه، به حکم دو موضوع مهم پرداخته است؛ یکی توحید که در رأس ارزش‌های اسلامی قرار دارد و دیگری نیکی به والدین که در مرتبه بعد از آن است. بنابراین احسان به پدر و مادر بعد از توحید خدا، واجب‌ترین واجبات است. هم‌چنان‌که عقوبت بعد از شرک، از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است. به این جهت احسان به والدین را بعد از مسئله توحید و قبل از سایر احکام اسم برده است. البته این نکته را نه تنها در این آیه، بلکه در موارد متعددی به همین ترتیب به کار بسته است.

نکته دوم: این دو حکم را با واژه «قضی» بیان کرده است. مفهوم قضا در تشریح این است که این حکم اعم از این‌که با عنوان امر باشد یا نهی، حکم قاطع مولوی است.

هیچ‌گونه تغییری در آن وجود ندارد و دلیل دیگری را برای تفسیر و استثنا نمی‌پذیرد. توحید در هیچ‌وقت قابل استثنا، تقیید و تخصیص نیست. همین‌طور حکم احسان به والدین، محکم و مطلق است.

نکته سوم: مفهوم احسان در برابر بدی است. فرزندان بر اساس این حکم قاطع الهی وظیفه دارند که به والدین خوبی کنند ولو والدینشان در کودکی خوبی نکرده باشند.

نکته چهارم: رابطه عاطفی والدین با فرزندان، اساس روابط اجتماعی است. پایداری و استواری جامعه انسانی، متکی به این روابط است. اگر فرزندان از طریق برقراری رابطه عاطفی با والدین اقدام نکنند، شیرازه اجتماع به کلی از هم می‌گسلد. نکته پنجم: انسان در دوران کهن سالی به شدت نیازمند توجه و مراقبت فرزندان خود می‌شود؛ اما حکم احسان، تکریم کلامی و رفتاری و پرهیز از نوع رفتار آزاردهنده، مخصوص این دوران نیست؛ بلکه در همه دوران حیات والدین است.

نکته ششم: مفهوم «خفض جناح از روی ذلت و ترحم» این است که پرندگان برای حفظ و مراقبت از جوجه‌های خود، بال خود را می‌کشایند و آنان را زیر بال خود قرار می‌دهند تا از سرما و خطر شکار حفظ نمایند. در اینجا مقصود این است که فرزندان رفتار متواضعانه و دلسوزانه (تلفیق از ذلت و رحمت) کلامی و عملی در پاسخ نیازهای پدر و مادر داشته باشند. از هر نوع رفتار و کنشی که آنان را رنجور سازند، پرهیز کنند.

نکته هفتم: خداوند باظرافت تمام هیئت و ادب فرزند در برابر والدین را در این دو آیه شریفه تصویر کرده است: احسان، نگفتن کلمات آزارنده دوری از عمل رنج‌آور، تعامل کلامی کریمانه، تواضع از روی ذلت و رحمت، همگی بیان‌گر آن است که رفتار فرزند در مجموع، حرمت، آسایش و آرامش والدین را فراهم کند. بلکه شکل و رفتار فرزند باید در معاشرت و گفتگوی با پدر و مادر طوری ظاهر شود که آن دو، تواضع، خضوع، خواری، مهر، رحمت و دلسوزی او را احساس کنند.

نکته هشتم: دعا برای والدین «قُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا»، در عین این‌که



یک وظیفه دینی است، بیان‌گر آن است که این دعا در مظان اجابت نیز هست. البته این دعا مقید به زمان حیات والدین نیست، بلکه حتی پس از وفاتشان نیز باید گفته شود، بلکه یکی از آداب زیبا و سازنده دینی است. روابط عاطفی فرزند و والدین نباید منحصر به زمان حیات والدین باشد، بلکه باید بعد از مرگ والدین نیز روابط یادشده برقرار باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۳: ۱۰۸-۱۱۰)

والدین وظیفه دارند که فرزندانشان را بر اساس این آموزه روشن و ارزشمند دینی، تربیت کنند. در دوران کودکی که فرزندان کاملاً وابسته به والدین هستند، دوره‌ها مناسبی برای ادب‌آموزی در خصوص احترام و احسان به والدین است. فرزندان در این دوره، والدین خود را همه‌چیز خود تلقی می‌کنند.

از مجموع آیات و روایات ناظر بر حق والدین، آداب زیر مناسب است، برای کودکان هفت‌ساله تعلیم داده شود:

الف. قدردانی و اظهار تشکر از پدر و مادر: در این مورد قرآن فرمود: «ان اشکر لی و لوالدیک» (لقمان: ۱۴) برای من و پدر و مادرت شکر گذاری کن.
ب. تعامل کلامی مناسب مؤدبانه و زیبا: قرآن در این مورد فرمود: «وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء: ۲۳) به پدر و مادرتان با سخنان مؤدبانه صحبت کنید.

ج. ادای احترام همراه با تواضع و فروتنی: قرآن در این مورد فرمود: «وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ»؛ (اسراء: ۲۳) بال‌هایتان را برای والدینتان از روی تواضع و مهرورزی بگسترانید: راهکار این آموزه، یاد دادن سلام به والدین هنگام ورود آنان، ایستادن به احترام والدین وقتی وارد خانه می‌شوند، هیئت مؤدبانه داشتن مانند دست نهادن بر سینه و خم کردن گردن مقابل والدین است.

د. صدا کردن محترمانه: فرزندان باید پدر و مادر را با عنوان پدر جان و مادر جان و... صدا بزنند؛ زیرا در حدیث آمده است «لا یسمیه باسمه»، نباید پدر یا مادر را با نامشان صدا بزنند.

هـ. عادت دادن فرزندان به حرکت نکردن پیش از والدین: زیرا در حدیث آمده است «ولا یمشی بین یدیه»؛ نباید فرزند جلوتر از پدر و یا مادر را برود.



و. عادت دادن فرزندان به این‌که بالاتر و زودتر از والدین خود در مجلس یا خانه نشینند: چنانکه در روایت آمده «و لا یجلس قبله»، نباید فرزند پیش از والدین بنشیند. ز. دعاکردن برای والدینشان: که قرآن فرمود: «قُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمَا کَمَا رَبَّیَانِی صَغِیراً»؛ بگو پروردگارا پدر و مادرم را بیامرز چنانکه آنان در کوچکی مرا پروراندند. ح. میزان توجه و اهتمام به مادر بیش‌تر از پدر باشد: زیرا در منابع دینی چنین اولویتی در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر رنج‌ها و سختی‌هایی که مادر برای فرزند تحمل می‌کند، بیش‌تر از پدر است.

در این زمینه، هشام بن سالم از امام صادق^(ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «روزی مردی به حضور رسول خدا^(ص) رسید و گفت ای رسول خدا^(ص) به کی نیکی کنم؟ رسول خدا^(ص) فرمود: به مادرت. باز آن مرد پرسید، بعدش به کی نیکی کنم؟ رسول خدا^(ص) فرمود: به مادرت. آن مرد باز پرسید بعدش به کی نیکی کنم؟ رسول خدا^(ص) فرمود به مادرت: دفعه بعد پرسید بعد به کی نیکی کنم؟ رسول خدا^(ص) فرمود به پدرت»^۱. این روایت نشان می‌دهد که حق مادر اولویت بیش‌تری دارد.

۸. ادب آموزی در برابر نعمت‌های الهی

خداوند متعال می‌فرماید: «و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز نمی‌توانید آن‌ها را احصا کنید. خداوند بخشنده و مهربان است»^۲. نعمت‌های الهی بی‌شمارند؛ اما متناسب با سن فرزند هفت‌ساله، لازم است حس قدردانی و شکرگزاری را در فرزند تقویت کنیم. راه درست تقویت حس قدردانی آن است که اول به فرزندان خردسالمان یاد بدهیم که اساس زنده ماندن و نیز خوش بودن و لذت بردن، وابسته به نعمت‌های الهی است؛ زیرا خداوند به انسان لطف بی‌حد دارد. پس وظیفه اخلاقی انسان است که در برابر نعمت‌های خداوند شکرگزار باشد.

۱. عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله^(ع) قال: جاء رجل إلى النبي ص فقال يا رسول الله من أبر قال أمك قال

ثم من قال أمك قال ثم من قال أباك. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱: ۴۹۱)

۲. وَإِنْ تُعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ. (نحل: ۱۸)



بشر به حکم فطرت و عقل خدادادی شکرگزاری را می‌پسندد. بر اساس این رفتار است که در جامعه بشری، رفتار نیکو و احسان و خیرخواهی، گسترش پیدا می‌کند. از سوی دیگر، خداوند نیز در قرآن کریم با وصف «شکور» توصیف شده است که فرمود: «لِيُؤْفِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ»؛ (فاطر: ۳۰) آن‌ها این اعمال صالح انجام می‌دهند تا خداوند اجر و پاداش کامل به آن‌ها دهد و از فضلش بر آن‌ها بیفزاید که او آمرزنده و شکرگزار است؛ یعنی خداوند نیز رفتار مشروع و پسندیده را از هرکسی صورت بگیرد، مورد قدردانی قرار می‌دهد.

ادب شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی این است که هرگاه نعمتی بر انسان ارزانی شد، با عبارت «الحمد لله» اظهار شکر کند. امام صادق^(ع) فرمود: «سپاس‌گزاری واقعی در برابر نعمت‌ها، دوری از محرمات است، ولی سپاس‌گزاری کامل آن است که این جمله را بگویی: الحمد لله رب العالمین».^۱ همچنین امام^(ع) فرمود: «هنگامی که خداوند نعمت خود را بر بنده مؤمن ارزانی کند، اگرچه آن نعمت زیاد باشد، پس اگر بنده، خدا را بر آن نعمت‌ها ستایش کند، ستایش خدا برتر، سنگین‌تر و بزرگ‌تر از آن نعمت است. قاطری از امام باقر^(ع) در حد وسط مکه و مدینه گم شده بود، امام فرمود: «اگر خداوند او را به من برگرداند، شکر شایسته او را به‌جا خواهم آورد. زمانی که قاطر را گرفتند، حضرت «الحمد لله رب العالمین» را سه بار بر زبان جاری کرد و پس از آن سه بار «شکرا لله» گفت».^۲

بنابراین ادب شکر نعمت‌های الهی در اظهار سپاس و قدردانی از خداوند متعال است. مناسب است به فرزند خردسالمان نیز یاد بدهیم. در برابر نعمت‌های الهی، جمله «الحمد لله رب العالمین» را بر زبان خود جاری کند.

۱. عن أبي عبد الله^(ع) قال: الشكر للنعم اجتناب المحارم وتمام الشكر قول الحمد لله رب العالمين. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۰: ۲۱۵)
 ۲. عن الصادق^(ع) قال: ما أنعم الله على عبد مؤمن نعمة بلغت ما بلغت فحمد الله عليها إلا كان حمد الله أفضل وأوزن وأعظم من تلك النعمة نفرت بغلة لأبي جعفر فيما بين مكة والمدينة فقال لن ردها الله على لأشكره حق شكره فلما أخذها قال الحمد لله رب العالمين ثلاث مرآت ثم قال ثلاث مرآت شكرا لله. (همان)



۹. آداب غذا خوردن

یکی از نعمت‌های الهی که دین اسلام توجه ویژه به آن کرده است، غذا است و اسلام برای خوردن آن آدابی مقرر کرده است. مناسب است برخی از مهم‌ترین آداب غذاخوری را به فرزندان خود در سن هفت‌سالگی یاد بدهیم. برخی از مصادیق این آداب قرار ذیل است:

۹-۱. ادب ویژه تکریم نان

طلحه فرزند زید نقل کرده است که رسول خدا^(ص) فرمود: «نان را گرامی بدارید. گفته شد گرامی داشتن نان چگونه است؟ فرمود: وقتی سفره نان پهن شد، به خوردن آن شروع کنیم. نباید منتظر خوراکی دیگر بمانیم. از موارد تکریم نان آن است که زیر پای نکنیم و نان را نبریم»^۱.

هم‌چنین ابان بن تغلب گفت است امام صادق^(ع) فرمود: «نباید گرده نان را به‌عنوان وسیله، زیر کاسه قرار بدهیم»^۲. قراردادن نان زیر کاسه خصوصیت ندارد؛ بلکه جز خوردن، هر کاری دیگری که در آن نان جنبه ابزاری بگیرد، نادرست است. به فرزندانمان بیاموزیم که نان را خوراک مقدس شمرده و از بازی با آن خودداری کنند.

۹-۲. ادب سفره (دسترخان)

در اسلام آدابی برای سفره در نظر گرفته شده است. برخی از این آداب، مناسب آموزش فرزندان در دوره هفت‌ساله اول است. در اینجا چند مورد آن را ذکر می‌کنیم.

۱. شستن دستان قبل و بعد از غذا: ابی بصیر از امام صادق^(ع) روایت کرده است که آن حضرت از امیرالمؤمنین^(ع) نقل فرمود: «شست‌وشوی دست پیش و بعد از غذا خوردن، عمر را طولانی کرده و لباس را از آلودگی دور می‌سازد و بینایی را روشنایی می‌بخشد»^۳.

۱. عن طلحة بن زيد عن بعض أصحابنا قال قال رسول الله^(ص) أكرموا الخبز فقیل یا رسول الله و ما إكرامه قال إذا وضع لم ينتظر به غيره و قال رسول الله ص و من كرامته أن لا يوطأ و لا يقطع. (كلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۳۰۳)

۲. «عن أبان بن تغلب قال قال أبو عبد الله^(ع) لا يوضع الرغيف تحت القصعة.» (كلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۳۰۳)

۳. عن أبي بصير عن أبي عبد الله^(ع) قال قال أمير المؤمنين^(ع) غسل اليدين قبل الطعام و بعده زيادة في العمر و إمالة للغمر عن الثياب و يجلو البصر. (كلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۲۹۰)



۲. آغاز خوردن غذا با «بسم‌الله» و پایان آن با «الحمدلله»: سکونی از امام صادق^(ع) و آن حضرت از رسول خدا^(ص) روایت کرده است: «زمانی که سفره پهن شود، چهار هزار فرشته دور آن را می‌گیرند. اگر بنده خدا «بسم‌الله» گفت، فرشتگان می‌گویند: خداوند در غذای شما برکت بخشد. پس از آن، فرشتگان به شیطان می‌گویند: ای فاسق بیرون شو که راه نفوذ تو بر این‌ها بسته شده است. زمانی که غذا خوردن را به پایان رساندند و الحمدلله گفتند، فرشتگان می‌گویند: این گروهی است که خداوند بر آنان نعمت داده و شکر آن را به جا آورده‌اند؛ اما اگر مردم گرد سفره آمدند و بسم‌الله نگفتند، فرشتگان به شیطان می‌گویند: ای فاسق به این گروه نزدیک شو و با آنان بخور! وقتی سفره برداشته شد، آنان یاد خدا را بر زبان نیاوردند، فرشتگان می‌گویند: این‌ها گروهی هستند که خداوند به آنان نعمت بخشید، ولی آنان خداوندشان را فراموش کردند»^۱.

ادب از گونه رفتار عملی و عینی است که باید انسان در شروع غذا خوردن، نام خدا را بر زبان جاری کند و پس از خوردن نیز شکر خدا را بگوید. انسان می‌تواند این ادب را به فرزند خردسال خود آموزش دهد تا این ادب در وجود او نهادینه شود.

۳. شروع و ختم غذا با نمک: فروه از امام باقر^(ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «خداوند به موسی بن عمران وحی کرد که قوم خود را در شروع و ختم غذا به خوردن نمک دستور دهد که اگر به دستور عمل نکردند، جز خود کسی دیگر را ملامت نکنند»^۲.

روایات زیادی در این مورد وارد شده است که بیش‌تر فایده‌های طبی آن را گوشزد کرده است. شیخ حر عاملی در وسایل‌الشیعه بابی را با نام «استحباب الابتداء بالاكل و الختم به»، اختصاص داده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶: ۵۱۹)

۱. النوفلی عن السکونی عن ابي عبد الله^(ع) قال: قال رسول الله^(ص) إذا وضعت المائدة حففتها أربعة آلاف ملك فإذا قال العبد بسم الله - قالت الملائكة بارک الله علیکم فی طعامکم ثم یقولون للشیطان اخرج یا فاسق یا سلطان لک علیهم فإذا فرغوا فقالوا الحمد لله قالت الملائكة قوم أنعم الله علیهم فأدوا شکر ربهم و إذا لم یسموا قالت الملائكة للشیطان ادن یا فاسق فکل معهم فإذا رفعت المائدة و لم یذکروا اسم الله علیها قالت الملائكة قوم أنعم الله علیهم فنسوا ربهم. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۴: ۳۵۲)

۲. عن فروه عن ابي جعفر^(ع) قال: قال: أوحى الله عز و جل إلى موسى بن عمران^(ع) أن مر قومک یفتتحوا بالملح و یختتموا به و إلا فلا یلوموا إلا أنفسهم. (کلینی، ۱۴۰۷، ۶: ۳۲۶)

۱۰. آداب تعامل با مردم

انسان موجود اجتماعی است. فراگیری آداب اجتماعی، توان ارتباطی و نیز تاثیرگذاری فرد را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر باعث محبوبیت و نفوذ فرد در میان مردم خواهد شد. در اینجا برخی از آداب اجتماعی را که مورد تأکید اسلام و نیز متناسب با ادب‌آموزی کودکان زیر هفت سال است، بیان می‌کنیم:

۱۰-۱. ادب سلام گفتن

اسلام برای «سلام» اهمیت ویژه قائل است. در قرآن کریم واژه «سلام» ۳۱ بار در ۲۴ سوره و ۳۰ آیه وارد شده است. سلام را نقطه شروع ارتباط کلامی بهشتیان شمرده (یونس: ۱۰) و اولین احترام به مخاطب را احترام کلامی قراردادده است. از نظر اسلام، سلام همان نقطه شروع ارتباط مثبت و سازنده است که باعث می‌شود به دیگران حس مثبت منتقل شود.

آموختن این ادب به فرزندانمان از جهات متعدد لازم است؛ زیرا سلام فقط یک ادب دینی محض نیست، بلکه یک مهارت ارتباطی است که می‌تواند مهارت اجتماعی کودک را افزایش دهد. به این جهت اسلام سفارش کرده است که اگر دو نفر به هم رسیدند و یکی بزرگسال و دیگری خردسال بود، مناسب است خردسال به بزرگسال سلام بگوید.^۱ این که سفارش شده است خردسال به بزرگسال سلام کند، می‌تواند یک روش تربیتی باشد. این روش را باید به‌عنوان ادب ارتباط اجتماعی به کودک بیاموزیم تا سبک اسلامی فرزندپروری، تحقق پیدا کند.

۱۰-۲. خوش کلام بودن

برخورد خوب و مؤدبانه با دیگران، نقطه قوت و مثبت برقراری ارتباط میان فردی است. در اسلام روی خوش سخنی زیاد تأکید شده است. مناسب است والدین در فضای خانه عملاً خوش سخنی را حاکم سازند و مهارت خوش سخنی را به فرزندان‌شان یاد دهند. چنان که خداوند فرمود: «با مردم سخن نیکو بگویید». (بقره: ۸۳)

۱. عن جراح المدائنی عن أبي عبد الله^(ع) قال: يسلم الصغير على الكبير والمار على القاعد والقليل على الكثير. (کلینی، ۱۴۰۷، ۶۴۶: ۲)



نیز سماعه فرزند مهران از امام صادق^(ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «روزی رسول خدا^(ص) بنی عبدالمطلب را گردهم آورد و فرمود: فرزندان عبدالمطلب، سلام گفتن را آشکار کنید و با خویشان پیوند خود را برقرار سازید و در زمانی که مردم خوابند، به تهجد برخیزید و اطعام کنید و سخنانتان را پاکیزه سازید تا با سلامت وارد بهشت شوید»^۱. بنابراین پاکیزه و نیکو سخن گفتن از فضایل و از آدابی است که مورد تأکید اسلام است و باید هر مسلمان به فرزندانش از همان کودکی بیاموزد.

برای کودکان زیر هفت سال، مهارت نیکو سخن گفتن در حد چند کلمه ساده و کلیدی است؛ مثل لطفاً، متشکرم، بیخشید و معذرت می‌خواهم. مهم این است که این کلمات در جای مناسب مورد استفاده کودک قرار گیرد. والدین می‌توانند در تعامل با کودک خود در هنگامی که چیزی را از کودک درخواست می‌کنند، از کلمه لطفاً استفاده کنند. این کار باعث می‌شود، کودک به صورت عملی کاربرد مؤدبانه واژه یادشده را یاد بگیرد.

در هنگامی که کودکان به شما چیزی داد یا درخواست شما را پذیرفت، کلمه متشکرم یا سپاس‌گزارم را به کار بگیرید. می‌توانید به جای آن، از دعائیه معروف «خداوند به شما عمر طولانی بدهد» استفاده کنید. وقتی دیدید رفتار شما کودک را ناراحت کرده یا در موقعیت دشوار است، با جمله بیخشید یا معذرت می‌خواهم، ارتباط کلامی مؤدبانه را به او یاد بدهید.

۱۱. ادب بر خورد با مهمان

خانه اگرچه محل زندگی افراد و اعضای خانواده است؛ اما رفت‌وآمد با دوستان، آشنایان، اقوام و گاهی افراد ناآشنا از امور حتمی است. مناسب است کودک در جریان این رفت‌وآمدها، تعامل نیکو و مناسب با مهمانان داشته باشد. اسلام ضمن توجه به این واقعیت، برای حفظ و استمرار ارتباط خانوادگی و اجتماعی، آدابی را در نظر گرفته است.

۱. «عن سماعة بن مهران عن أبي عبد الله^(ع) قال: جمع رسول الله ص بنی عبد المطلب فقال یا بنی عبد المطلب أفشوا السلام و صلوا الأرحام و تهجدوا و الناس نیام و أطعموا الطعام و أطیبوا الكلام تدخلوا الجنة بسلام» (برقی، ۱۳۷۱، ۲: ۳۸۷)

زراره از امام صادق^(ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «از اموری که رسول خدا^(ص) به دختر گرامی اش، فاطمه (س) آموخت، آن بود که به دخترش فرمود: ای فاطمه کسی که به خدا و روز آخرت، ایمان دارد، باید مهمان خود را گرامی بدارد»^۱. بنابراین مناسب است که والدین به فرزندان کوچک خود، برخی از آداب تعامل با مهمان را فراگیرد. با توجه به این که از مصادیق اکرام ضیف و احترام مهمان، اظهار خوش حالی از ورود مهمان است، باید کودکان ما یاد بگیرند که به مهمان «خوش آمد» بگویند.

۱۲. ادب تعامل با معلم

ارتباط انسان با معلم از مهم ترین بخش های آداب اسلامی است. اسلام به جهت احترام و فضیلتی که به علم قائل است، برای صاحبان اندیشه و دانایی احترام زیادی قائل شده است و آنان را برتر از خود علم دانسته اند؛ زیرا معروف است که «خیر من الخیر فاعل الخیر»؛ یعنی برتر از کار خیر، انجام دهنده آن است. از سوی دیگر شاگرد یا متعلم که از خرمن اندیشه و دانایی معلم بهره گرفته است، مرهون معلم و استاد خود است. به این جهت گفته شده است که حق معلم بالاتر از حق والدین است؛ زیرا پدر در حیات طبیعی انسان، نقش دارد؛ اما معلم در حیات عقلانی و روحانی او صاحب نقش است. همان طوری که حیات عقلانی مهم تر از حیات طبیعی است، نقش گزاران حیات عقلانی، مهم تر از نقش گزاران حیات طبیعی هستند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶)

امام سجاده^(ع) می فرماید: «حق راهنمای دانشی تو این است که به وی تعظیم کنی، مجلس او را محترم شماری، گوش خود را خوب به سخنان او بسپاری، با تمام توجه به او روی آوری، در وقت فراگیری علم به او کمک کنی که هوشت کاملاً متوجه او و ذهنش در حضور او متمرکز باشد. دلت را برای او پاکیزه کن با ترک لذت ها و خواهش های نفسانی، چشمش را به او روشن گردان. باید بدانی که تو حامل پیام علم

۱. عن إسحاق بن عبد العزيز و جميل و زرارة عن أبي عبد الله^(ع) قال: مما علم رسول الله ص فاطمة ع أن قال لها يا فاطمة من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليكرم ضيفه. (ديلمی، ۱۴۰۸: ۹۱)



و اندیشه او به افراد جاهل و نادان هستی، پس باید به خوبی این مسئولیت را از سوی او ادا کنی، خیانتی در ادای امانت او نکنی! برای انجام کاری که برعهده گرفته‌ای، به پا خیزی. هیچ نیروی حرکتی، جز نیروی خداوند نیست»^۱.

در این حدیث، امام سجاده^(ع) برخی از حقوق معلم و آداب مناسب متعلم نسبت به معلم را بیان کرده است. برخی از این آداب مربوط به جایگاه معلم و احترام نهادن به او است. برخی دیگرش آداب فراگیری علم و مهارت‌های یادگیری است. برخی دیگر آن، مربوط به اخلاق و آداب امانت‌داری علم و اندیشه است که باید بدون نقص، به نسل بعدی منتقل شود.

در هر صورت بخشی از این آموزه‌ها قابلیت تعلیم به کودکان را دارد؛ مانند تعظیم معلم، احترام نهادن به جلسه درس و مهارت‌های گوش دادن و حواس جمعی در وقت درس است. فرزند هفت‌ساله به صورت رسمی در تعلیمات الزامی باید شرکت کند. هفت سالگی، سن مکتب و مدرسه او است. در این سن باید قابلیت‌هایی چون احترام نهادن به معلم و نیز اهتمام دادن به جلسه آموزش و درس را فراگیرد. والدین مسئولیت دارند که فرزندانشان را قبل از فرستادن به تعلیمات الزامی و رسمی، احترام به معلم را به او آموخته باشند.

مناسب است والدین به صورت خاص فرزندانشان را به صورت مستقیم، رفتار احترام‌آمیز را یاد بدهند. سلام کردن، از جای خود بلند شدن به استقبال فردی که وارد خانه می‌شود، خوش‌آمدگویی و احوال‌پرسی کردن بخشی از آداب مناسب اجتماعی است که در واقع نوعی مهارت‌آموزی در روابط اجتماعی نیز است. مؤدب بودن فرزند در روابط اجتماعی نشان‌گر اهتمام والدین به تربیت اجتماعی فرزند است. از آن طرف هرچه فرزند ادب‌تر داشته باشد، در برقراری روابط با دیگران موفقیت بیشتری خواهد داشت. مناسب است آداب غذاخوری، احترام به والدین،

۱؛ و أما حق سائسك بالعلم فالتعظیم له و التوقیر لمجلسه و حسن الاستماع إليه و الإقبال علیه و المعونة له علی نفسك فیما لا غنی بك عنه من العلم بأن تفرغ له عقلك و تحضره فهمك و تزکی له قلبك و تجلی له بصرك بترك اللذات و نقص الشهوات و أن تعلم أنك فیما ألقى إليك رسوله إلى من لقیك من أهل الجهل فلزمك حسن التادیة عنه إلیهم و لا تخنه فی تأدیة رسالته و القيام بها عنه إذا تقلدتها و لا حول و لا قوة إلا بالله. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۶۰)



معلم و بزرگان را برای فرزندان زیر هفت سال تعلیم دهند. بخشی دیگر از ادب‌آموزی به حسن خلق و مکارم اخلاقی مربوط است که برای فرزندان بالای هفت سال اختصاص دارند و در جای خود باید بحث شوند.

نتیجه‌گیری

با بررسی منابع دینی، به دست آمد که ادب‌آموزی فرزند، در هفت‌سال اول، توجه به آداب ساده است. در اسلام ادب‌آموزی به فرزند اهمیت زیادی دارد، ادب‌آموزی از حقوق اصلی فرزند بر والدین شمرده شده و برترین هدیه و صدقه و مایه‌آمزش والدین است. آموزش آداب به فرزندان در موضوعات زیر اولویت دارد:

چگونگی رعایت ادب در برابر خدا اولویت اول را دارد؛ والدین مناسب است که برای کودکان در هفت‌سال اول، ذکر مخصوص توحید را یاد بدهند؛ هم‌چنین ادب ابراز محبت به خداوند را نیز تعلیم بدهند.

همین‌طور رعایت ادب و احترام به انبیای الهی به‌ویژه خاتم‌الانبیاء^(ص) در مرحله بعد قرار دارد. در این مورد باید به فرزندانمان درود فرستادن به حضرت محمد^(ص) را بیاموزیم و هم‌چنین به آنان ادب ابراز محبت به رسول خدا^(ص) را بیاموزانیم. اولیای الهی، به‌ویژه اهل‌بیت^(ع) آداب خاصی دارند که آموختن شماری از آن آداب برای دوره کودکی مناسب است. محبت به اهل‌بیت در منابع اسلامی از سه جهت مهم شمرده است؛ اول مزد رسالت رسول خداوند^(ص) است. برترین وسیله تقرب به خداوند است. نشانه پاکزادی و حلال‌زادگی است. پس بهترین زمان جای دادن محبت این خاندان پاک در دوران کودکی اول است که فطرت پاک فرزندانمان آلوده به دوستی افراد غیر صالح نشده است.

احترام به والدین از اهمیت زیادی در اسلام برخوردار است و برای کودکان در محورهای ساده مانند اظهار قدردانی از والدین، سلام بر آنان و با احترام ایستادن هنگام ورود والدین، جلوتر از والدین راه رفتن و زودتر نشستن و محترمانه صدا کردن بخشی از آدابی که فرزندان در هفت‌سال اول کودکی می‌توانند بیاموزند.

ادب در برابر نعمت‌های الهی اهمیت زیادی دارد؛ شکرگزاری و تکریم نان و رعایت برخی از آداب سفره مانند دست شستن قبل و بعد از غذا خوردن، بسم‌الله گفتن و الحمدلله گفتن بخشی از آداب ساده برای تعلیم به کودکان است. احترام به مهمان، مانند خوش آمدگویی و چگونگی تعامل با خویشان و بزرگسالان و نیز یادگرفتن احترام نهادن به معلم، از مراحل دیگر ادب‌آموزی فرزند است که در این تحقیق بر اساس آموزه‌های منابع اسلامی پرداخته شده است.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ ق)، *تحف العقول*، قم: بی‌نا.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ ق)، *مناقب آل‌أبی‌طالب*، قم: انتشارات علامه.
۳. ابن فارس، احمد بن زکریا، (۱۴۰۴ ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶)، *الامالی*، تهران: نشر کتابچی.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱)، *المحاسن*، قم: دار الکتب الإسلامية.
۸. بروجردی، آقا حسین، (۱۳۸۶)، *جامع أحادیث الشيعة*، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، *تفصیل وسایل الشيعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
۱۰. زبیدی حنفی، محب‌الدین سید محمد مرتضی، (۱۴۱۴ ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۱. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق) *نهج البلاغة (للصیحی صالح)*، قم: نشر هجرت.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، (ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی)، قم: ناشر: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۶ ق)، *مجمع البحرین*، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.



۱۴. فیومی، احمد بن محمد مقرئ، (بی تا)، المصباح المنیر، قم: منشورات دار الرضی.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: انتشارات الإسلامية.
۱۶. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام، (۱۴۱۹ ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۸. منسوب به علی بن موسی الرضا^(ع)، (۱۴۰۶ ق)، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، مشهد: بی نا.
۱۹. هیثمی، علی بن حجر، (۱۴۱۷ ق)، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، (المحقق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي)، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۰. هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، (۱۴۰۸ ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه.

